

# بررسی رویکرد تدریج در دعوت رسول خدا صلی الله علیه و سلم

محمدصادق ثاقب

پوهندوی، تعلیمات اسلامی، شرعیات، پوهنتون غور، فیروزکوه افغانستان (نویسنده مسئول). ایمیل:  
sadeq.saqib@ghru.edu.af

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۱۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۳ - تاریخ نشر: ۱۴۰۴/۱۲/۲۸

## چکیده

اهمیت این تحقیق در آن است که نشان می‌دهد اصل تدریج یک سنت ثابت در دعوت اسلامی بوده و می‌تواند به عنوان الگویی مؤثر برای فعالیت‌های دعوتی در جوامع معاصر، به‌ویژه در جوامع در حال گذار، مورد استفاده قرار گیرد. دعوت اسلامی در سیره پیامبر اکرم ﷺ بر پایه حکمت، واقع‌بینی اجتماعی و اصل تدریج استوار بوده است. آن حضرت با توجه به شرایط فکری، فرهنگی و اجتماعی جامعه جاهلی، دعوت خویش را به صورت مرحله به مرحله و متناسب با ظرفیت و آمادگی مخاطبان پیش برد. این تحقیق از نظر هدف، کاربردی؛ از نظر ماهیت، توصیفی-تحلیلی؛ و از نظر روش گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای-اسنادی است. هدف تحقیق، تبیین مفهوم تدریج در دعوت نبوی برای دعوتگران در شرایط معاصر است. داده‌های تحقیق از منابع اصیل اسلامی، شامل آیات قرآن کریم، احادیث نبوی، کتب معتبر سیره و آثار کلاسیک دعوت اسلامی گردآوری شده و با روش تحلیل محتوایی مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اصل تدریج در دعوت نبوی در چند بُعد اساسی تجلی یافته است: تدریج در تشریع و فرضیت احکام، تدریج در به کارگیری روش‌ها و ابزارهای دعوت و تدریج در تعامل با گروه‌های مختلف مخاطبان. این رویکرد سبب آمادگی تدریجی جامعه برای پذیرش تعالیم اسلام، کاهش مقاومت اجتماعی و تحقق تحول پایدار در جامعه گردید.

**کلمات کلیدی:** تدریج، دعوت اسلامی، سیره نبوی، روش‌های دعوت

استناد: ثاقب، محمدصادق. (۱۴۰۴). بررسی رویکرد تدریج در دعوت رسول خدا صلی الله علیه و سلم. مجله علمی-تحقیقی پوهنتون غور، ۳(۲)، ۲۱-۴۲.

# A Study of the Gradual Approach in the Prophet Mohammad's (PBUH) Method of Da'wah

Mohammad Sadiq Saqib

Assistant Professor, Islamic Studies, Sharia, Ghor University, Firozkoh, Afghanistan  
(Corresponding author), Email: sadeq.saqib@ghru.edu.af

Received: 31/12/2025 | Accepted: 12/2/2026 | Published: 19/3/2026

---

## Abstract

---

The significance of this research lies in demonstrating that the principle of gradualism is a constant tradition in Islamic da'wah and can serve as an effective model for missionary and reformative activities in contemporary societies, particularly in societies undergoing transition. Islamic da'wah in the life and practice of the Prophet Muhammad was based on wisdom, social realism, and the principle of gradualism. Taking into account the intellectual, cultural, and social conditions of the pre-Islamic society, the Prophet presented his message step by step and in accordance with the capacity and reach of his audience. In terms of purpose, this study is applied; in terms of nature, it is both descriptive-analytical; and in terms of the method of data collection, it is library-based and documentary. The aim of the research is to clarify the concept of gradualism in the Prophetic method of da'wah for contemporary callers to Islam. The research data was collected from authentic Islamic sources, including the verses of the Holy Quran, Prophetic traditions, reliable works on the Prophetic biography (Sīrah), and writings on Islamic da'wah, and were examined through content analysis. The findings of the research indicate that the principle of gradualism in the Prophetic da'wah manifested itself in several fundamental dimensions: gradualism in the legislation and obligatory rulings, gradualism in the use of methods and tools of da'wah, and gradualism in interaction with different groups of audiences. This approach led to the gradual reform of society to accept the teachings of Islam, reduced social resistance, and realized sustainable transformation within the community.

**Keywords:** Gradualism, Islamic Da'wah, Prophetic Sīrah, Methods of Da'wah

---

**Cite this article:** Saqib, M. S. (2026). A study of the gradual approach in the Prophet Mohammad's (PBUH) method of Da'wah. *Scientific Research Journal of Ghor University*, 2(2), 21-42.

---

## مقدمه

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام علي سيدنا محمد خاتم الأنبياء والمرسلين و علي آله و صحبه أجمعين.

دعوت حضرت محمد ﷺ در بستری از پیچیدگی‌های اعتقادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه‌ی جاهلی شکل گرفت؛ جامعه‌ای که با بت‌پرستی، تعصبات قبیله‌ای، بی‌عدالتی‌های گسترده و فروپاشی ارزش‌های انسانی روبه‌رو بود و تغییر آن جز با حکمت، صبر و رعایت اصل تدریج ممکن نبود. از این‌رو، بررسی رویکرد تدریجی در سیره‌ی نبوی نه تنها از مهم‌ترین مباحث در علوم اسلامی و دعوت دینی به شمار می‌آید، بلکه کلیدی برای فهم شیوه‌های موفق اصلاح اجتماعی در اسلام است. اهمیت این موضوع زمانی روشن‌تر می‌شود که بدانیم بسیاری از احکام و ارزش‌های اسلامی به گونه‌ای مرحله‌به‌مرحله نازل و اجرا شد تا جامعه آمادگی پذیرش آن را پیدا کند. بنابراین، تحقیق درباره‌ی چرایی و چگونگی این رویکرد، علاوه بر تبیین راز موفقیت و گسترش سریع دعوت اسلامی، می‌تواند الگوی عملی برای دعوتگران و مصلحان معاصر در مواجهه با چالش‌های مشابه فراهم سازد.

## بیان مسئله

یکی از پرسش‌های اساسی در حوزه سیره‌ی نبوی این است که چرا دعوت حضرت محمد ﷺ، با وجود حقانیت کامل، به صورت تدریجی و مرحله‌به‌مرحله انجام شد و نه به شکل یک‌باره. بررسی آثار پیشین در سیره و علوم اسلامی - مانند گزارش‌های تاریخی ابن هشام، تحلیل‌های تربیتی و دعوتی ابن قیم جوزیه و مباحث مقاصدی شاطبی - نشان می‌دهد که اصل تدریج مورد توجه قرار گرفته است؛ اما این پژوهش‌ها غالباً پراکنده بوده و بیشتر بر جنبه‌های توصیفی یا فقهی تمرکز داشته‌اند و کمتر به تحلیل نظام‌مند روش‌ها، ابزارها و میزان توجه به ویژگی‌های مدعوین در فرایند دعوت پرداخته‌اند. همچنین در تحقیقات معاصر، هرچند به کاربست این اصل در دعوت امروز اشاره شده، اما کمتر تلاشی برای استخراج یک الگوی تحلیلی جامع و کاربردی بر اساس سیره‌ی مکی و مدنی صورت گرفته است. از این‌رو، تحقیق حاضر با تمرکز بر رویکرد تدریجی در دعوت نبوی در هر دو مرحله‌ی مکی و مدنی، می‌کوشد این خلأ پژوهشی را جبران نموده و الگویی علمی و قابل استفاده برای دعوتگران و مبلغان معاصر ارائه دهد.

### اهمیت و ضرورت تحقیق

شناخت اصل تدریج در دعوت حضرت محمد ﷺ از نظر علمی به فهم عمیق‌تر سیره نبوی، روش‌های تربیتی پیامبر و چگونگی تعامل اسلام با واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی عصر نزول کمک می‌کند و می‌تواند به غنای مطالعات سیره و دعوت اسلامی بیفزاید. بررسی این اصل نشان می‌دهد که دعوت اسلامی بر پایه حکمت، واقع‌بینی و توجه به ظرفیت‌های مخاطبان شکل گرفته است. ضرورت این تحقیق از آن جهت است که با وجود اشاره به اصل تدریج در برخی منابع کلاسیک و تحقیقات معاصر، این موضوع غالباً به صورت پراکنده و غیر نظام‌مند مطرح شده و کمتر تحقیقی به بررسی جامع ابعاد مختلف آن در فرایند دعوت نبوی پرداخته است. از این رو، نیاز به تحقیقی که تدریج را به صورت منسجم و تحلیلی در ابعاد گوناگون، از جمله تدریج در تشریع احکام، روش‌های دعوت، ابزارهای دعوت و تعامل با مخاطبان بررسی کند، احساس می‌شود. از نظر عملی نیز نتایج این تحقیق می‌تواند برای دعوت‌گران، مبلغان و مصلحان معاصر الگویی واقع‌بینانه و کاربردی فراهم سازد تا در مواجهه با تنوع فکری و فرهنگی جوامع امروز، از افراط و تفریط در شیوه‌های دعوتی پرهیز کرده و با الهام از سیره نبوی، روش‌های حکیمانه، تدریجی و مؤثر را در فعالیت‌های دعوتی به کار گیرند.

### پیشینه تحقیق

موضوع تدریج در دعوت اسلامی در آثار کلاسیک و معاصر مورد توجه قرار گرفته است. از جمله منابع مهم در این زمینه، گزارش‌های سیره‌نگارانه ابن هشام در کتاب *السيرة النبوية* است که مراحل مختلف دعوت پیامبر اکرم ﷺ در دوره مکی و مدنی را به صورت تاریخی بیان کرده و از خلال آن می‌توان روند تدریجی دعوت و تحول جامعه اسلامی را مشاهده کرد. باین حال، رویکرد ابن هشام بیشتر تاریخی و روایی است و به تحلیل نظام‌مند اصل تدریج در دعوت نمی‌پردازد. همچنین ابن قیم جوزیه در آثار خود، به ویژه در کتاب *زاد المعاد فی هدی خیر العباد*، به بررسی ابعاد تربیتی و دعوتی سیره نبوی پرداخته و به حکمت تدریج در تشریع و تربیت جامعه اسلامی اشاره کرده است. وی تدریج را یکی از جلوه‌های حکمت نبوی در اصلاح افراد و جامعه می‌داند؛ اما بحث او بیشتر در چارچوب تحلیل تربیتی سیره مطرح شده و به صورت مستقل به تبیین ابعاد مختلف تدریج در دعوت اختصاص نیافته است. از سوی دیگر، ابواسحاق شاطبی در کتاب

الموافقات فی أصول الشریعہ با طرح مباحث مقاصدی، به اصل تدریج در تشریع احکام اشاره کرده و آن را از نشانه‌های حکمت شریعت در انتقال جامعه از جاهلیت به نظام اسلامی می‌داند. هرچند دیدگاه شاطبی در تبیین فلسفه تدریج در تشریع بسیار مهم است؛ اما تمرکز او بیشتر بر حوزه اصول فقه و مقاصد شریعت است و کمتر به کاربرد این اصل در فرایند دعوت و روش‌های دعوتی پرداخته است. در تحقیقات معاصر نیز برخی نویسندگان در حوزه دعوت اسلامی به اهمیت رویکرد تدریجی در فعالیت‌های دعوتی اشاره کرده‌اند و آن را از عوامل موفقیت دعوت در جوامع مختلف دانسته‌اند. باین‌حال، این تحقیقات غالباً جنبه کاربردی و توصیه‌ای داشته و کمتر به استخراج یک الگوی تحلیلی منسجم از اصل تدریج بر اساس سیره مکی و مدنی پرداخته‌اند.

از این‌رو، باوجود طرح اصل تدریج در منابع کلاسیک و معاصر، هنوز تحقیق جامع که به‌صورت نظام‌مند انواع تدریج در دعوت نبوی از منظر تشریع، روش‌ها و مخاطبان را بررسی کند، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. تحقیق حاضر می‌کوشد با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع اصیل اسلامی، این خلأ تحقیقی را تا حدی جبران نماید.

## اهداف تحقیق

### هدف کلی

تبیین جامع و نظام‌مند از اصل تدریج در دعوت اسلامی بر اساس سیره حضرت محمد ﷺ و استخراج الگوی عملی برای دعوت‌گران و مبلغان معاصر.

### اهداف جزئی

۱. تبیین مفهوم «تدریج» در دعوت اسلامی.

۲. شناسایی ابعاد تدریج در دعوت نبوی

۳. تحلیل به‌کارگیری تدریج در روش‌ها و ابزارها

۴. بررسی نقش ویژگی‌های مدعوین.

## سؤالات تحقیق

سؤال اصلی تحقیق:

اصل تدریج در دعوت حضرت محمد ﷺ چیست و این اصل چگونه در ابعاد مختلف دعوت نبوی

تجلی یافته است؟

سؤالات فرعی:

۱. مفهوم تدریج در دعوت اسلامی چیست؟
۲. تدریج در دعوت نبوی از چه ابعادی برخوردار است؟
۳. پیامبر ﷺ چگونه تدریج را در روش‌ها و ابزارها به کاربرد؟
۴. نقش مدعوین در رویکرد تدریجی چیست؟

### روش تحقیق

این تحقیق از نظر ماهیت، در شمار تحقیقات کیفی قرار می‌گیرد و با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است؛ بدین معنا که نخست داده‌های مرتبط با موضوع از منابع معتبر گردآوری و توصیف گردیده، سپس با رویکرد تحلیلی به بررسی و تبیین ابعاد مختلف اصل تدریج در دعوت حضرت محمد ﷺ پرداخته شده است. منابع داده‌های تحقیق شامل دو دسته است: منابع اولیه و منابع ثانویه. منابع اولیه عبارت‌اند از قرآن کریم، احادیث نبوی و کتاب‌های معتبر سیره و تاریخ اسلامی. منابع ثانویه نیز شامل تفاسیر، شروح حدیث، کتاب‌ها و مقالات علمی معاصر در حوزه دعوت اسلامی و سیره نبوی است که برای تحلیل، تبیین و مقایسه دیدگاه‌ها مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

روش جمع‌آوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای بوده است؛ بدین صورت که اطلاعات لازم از منابع یادشده استخراج، دسته‌بندی و ثبت گردیده و روش‌ها و ابزارهای دعوت نبوی با تمرکز بر اصل تدریج شناسایی شده است.

در مرحله تحلیل داده‌ها، اطلاعات گردآوری شده بر اساس موضوعات و ابعاد مختلف تدریج (از جمله تدریج در وسیله، روش و توجه به ویژگی‌های مدعوین) طبقه‌بندی گردیده و سپس با تطبیق و مقایسه داده‌های منابع مختلف، تلاش شده است تصویری منسجم از رویکرد تدریجی در دعوت نبوی ارائه و در نهایت الگویی عملی برای بهره‌گیری در دعوت معاصر استخراج شود.

### مفهوم شناسی

#### تعریف تدریج

الف: معنای لغوی تدریج: عبارت است از: درجه به درجه پیش رفتن و یا به عبارت دیگر،

آهسته آهسته انجام دادن کاری را (المطلق، ۱۴۱۴، ص ۳۸).

**ب: معنای اصطلاحی تدریج:** عبارت است از: تقسیم کار فیزیکی یا اخلاقی به چند قسمت، با توجه به نسبت فاصله بین شروع و پایان و با توجه به توانایی کارگردر تکمیل کار، تسهیل و گام برداشتن برای فراتر رفتن از آن در نظم طبیعی، باهدف اتمام و برداشتن از آن کار (میدانی، بی تا، ص ۹). از لابلای تعریف لغوی و اصطلاحی تدریج، می توان گفت که: نزدیک شدن داعی با مدعو مرحله به مرحله تا رسیدن به هدف اصلی همراه با روش خاص دینی را دعوت تدریجی می گویند.

### روش تدریجی در ابلاغ شریعت

در دعوت بندگان به طرف شریعت، حکمت باری تعالی، چنین تقاضا می نماید که همواره منهج تدریج را به گونه ای در نظر بگیرد تا اینکه مشقت و سختی از آن ها دور گردد. از جمله احکام شریعت اسلامی، ارکان اسلام است که شارع دعوت تدریجی را در میان آن ها با توجه به روش {البدء بالأهم ثم المهم} رعایت کرده است. اولین حکم فرض شده بعد از توحید، نماز است؛ و این روش، بیانگر جایگاه و اهمیت نماز است. چنانچه ام المومنین عایشه صدیقه رضی الله عنها می فرماید: «فُرِضَتِ الصَّلَاةُ رُكْعَتَيْنِ، ثُمَّ هَاجَرَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فُفْرِضَتْ أَرْبَعًا، وَتُرِكَتْ صَلَاةُ السَّكْرِ عَلَى الْأُولَى». (بخاری، ۱۴۳۳، ص ۳۴۲)، نماز در ابتداء دو رکعت بود و بعد از هجرت چهار رکعت فرض گردید؛ ولی نماز سفر به حالت اولی (دو رکعت) باقی ماند. جمله ی «ثم هاجر» دلالت می کند بر مزیت و تقدم فرضیت نماز بر سایر فرایض و عبادات. و نیز روایت دیگری از جریر ابن عبدالله است که این موضوع را تائید می کند، ایشان می فرماید: «بَايَعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى إِقَامِ الصَّلَاةِ، وَإِتْيَاءِ الزَّكَاةِ، وَالنَّصْحِ لِكُلِّ مُسْلِمٍ» (بخاری، ۱۴۳۳، ص ۵۰)، «من با رسول خدا بیعت نمودم بر اینکه اقامه نماز نموده و زکات فرضی را پرداخت نمایم و نیز خیرخواه کل امت باشم. حافظ ابن حجر عسقلانی رحمه الله تعالی می فرماید: عادت مبارک رسول اکرم ﷺ در بیعت گرفتن از دیگران این بود که اولین شرط آن حضرت بعد از توحید اقامه نماز بود؛ زیرا نماز بزرگترین عبادت بدنی می باشد، سپس از اداء زکات سخن می گفت؛ بدین خاطر که زکات بزرگترین عبادت مالی به شمار می رود، سپس بقیه احکام را برای هر قوم مطابق نیازهای شان تعلیم می داد (عسقلانی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۸۱).

همان گونه که شارع به ارکان اسلام جنبه دعوت تدریجی را مراعات نموده، همان طور در دعوت به سوی اصول اخلاق اسلامی از قبیل: صداقت، عدالت، امانت داری، پاک دامنی و... نیز این شیوه را رعایت کرده است (المطلق، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۴۹).

### تدریج در دعوت به اعتبار وسیله

**الف: به وسیله ی گفتار (قول):** زمانی که سیره ی رسول گرامی را به دقت بررسی کنیم به وضوح درمی یابیم که آن حضرت ﷺ در مسیر دعوت و تبلیغ دین، از ابزار و وسایل مختلفی آن هم به صورت تدریج و مرحله به مرحله، استفاده نموده است. دعوت رسول اکرم ﷺ به سوی حق به وسیله گفتار آغاز شد و این وسیله در طول دوران مکی همواره ادامه داشت تا اینکه با هجرت آن حضرت ﷺ از مکه و برپایی دولت اسلامی در مدینه منوره، از وسایل دیگری مانند؛ غزوات و سریه ها جهت اعلا ی کلمه الله نیز کار گرفت. گفتار یکی از مهم ترین وسایل دعوتگری است که قرآن کریم بدان اهمیت زیادی قائل شده است؛ تا جای که کلمه «قل» در بیشتر از سه صد آیه ذکر گردیده که در این زمینه به گونه مثال به برخی از آیات قرآنی می پردازیم (بیانونی، ۲۰۱۴، ص ۳۱۱).

۱. ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ (الاحلاص: ۱)

۲. ﴿قُلْ يَٰأَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ (الکافرون: ۱)

۳. ﴿وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا﴾ (النساء: ۶۲)

### نمونه های از دعوت قولی در سیرت نبوی

**دعوت اهل طایف:** طایف مرکز عبادت بت بزرگی بنام «لات» بود. مردم ازهر سو برای پرستش این بت روی می آوردند. وقتی رسول اکرم ﷺ به طایف تشریف برد، نخست به ملاقات چند تن از سران ثقیف رفت و آن ها را به آیین اسلام دعوت کرد؛ اما آن ها نه تنها دعوت رسول خدا ﷺ را نپذیرفتند، بلکه آن حضرت را مورد استهزا و تمسخر قرار دادند و بچه ها و بردگان خود را به اهانت آن حضرت وادار نمودند، طوری که همگی، رسول اکرم ﷺ را با دشنام، فریاد و پرتاب سنگ بدرقه کردند. رسول اکرم ﷺ درحالی که ناراحت و نگران شده بود زیر سایه درخت خرمایی نشست. اذیت و آزار اهل «طایف» شدید تراز آن بود که از اهل «مکه» دیده بود. وقتی «عتبه بن ربیع» و «شبه بن ربیع» این حالت رسول اکرم ﷺ را دیدند، بر سر غیرت آمدند و غلام

مسیحی خود را که «عداس» نام داشت صدا زدند و به او گفتند که این خوشه‌ی انگور را در داخل این ظرف بگذار و نزد آن مرد (رسول اکرم ﷺ) ببر تا از آن بخورد. «عداس» نزد آن حضرت ﷺ رفت؛ اما پس از اینکه سخنان رسول اکرم را شنید و اخلاق گرامی‌اش را دید مشرف به اسلام شد (ندوی، ۱۳۷۹، صص ۱۳۸-۱۴۰).

**گشت‌وگذار در میان قبایل و دعوت آنان به اسلام:** آن حضرت ﷺ شخصاً در موسم حج که قبایل عرب جمع می‌شدند نزد آن‌ها می‌رفت و هر قبیله را جداگانه صدا زده و به اسلام دعوت می‌کرد و از آنان می‌خواست که از وی در مقابل دشمنان حمایت نمایند، می‌فرمود: «ای بنی فلان، من فرستاده حق تعالی به‌سوی شما هستم. خدا به شما دستور می‌دهد که فقط او را بپرستید و با وی احدی را شریک نسازید و از عبادت کلیه شریکان دست بکشید و به او ایمان آورید و سخشن را باور نمایید، مرا موردحمایت قرار دهید تا پیام خداوند را به جهانیان برسانم» (همان، صص ۱۳۲-۱۳۳).

#### ب: به‌وسیله‌ی غزوات و سریه‌ها

پس از سپری شدن دوره «دعوت قولی» در عهد مکی و اتمام حجت بر مشرکین، الله متعال برای رسول اکرم ﷺ اجازه هجرت و سپس جهاد با شمشیر را مشروع فرمود. خداوند جل‌جلاله به خاطر نصرت حق، برپایی عدل و سرکوب منکران و ستمگران، آهن (حدید) را که بزرگ‌ترین ابزار جهاد به شمار می‌آید نازل کرده است. چنانچه می‌فرماید: ﴿وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ﴾ (الحدید، ۲۵) "آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منافعی برای مردم است".

مراد از «حدید» در این آیه مبارکه، آلات و ابزار جهاد است؛ مانند شمشیر، نیزه، تیر، سپر و غیره. الله تبارک و تعالی برای پیامبرش دستور می‌دهد که جهت از بین بردن دشمنان دین از تمامی اسباب قوت استفاده نمایند. همان‌گونه که می‌فرماید: ﴿وَأَعِزُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ﴾ (الانفال، ۶۰) "هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آن‌ها {دشمنان}، آماده‌سازید و (همچنین) اسب‌های ورزیده (برای میدان نبرد)، تا به‌وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید".

قوه: هر چیزی است که بتوان با آن در جنگ نیرومند شد و توان رزمی را بالا برد، از آن جمله؛ تجهیز نفرات، تأمین سلاح، مهمات، ساختن دژها و سنگرهای مستحکم، آموزش فنون جنگ و سایر تدبیرات جنگی که باید توان و تلاش مسلمانان صرف آن شود.

بنابراین رسول خدا ﷺ، در این هنگام، سرایا و غزوات را به عنوان بارزترین وسیله‌ی حفظ و رشد دعوت اسلامی قرارداد و در حقیقت راهاندازی سربیه‌ها و غزوات توسط آن حضرت، سبب شد تا رعب و ترس در دل دشمنان ایجاد شود. حضور مستقیم رسول اکرم ﷺ در نوزده غزوه، بیانگر اهمیت این موضوع است. چنانچه امام بخاری {رحمه‌الله} از ابواسحاق چنین روایت می‌کند: «قُلْتُ لَزَيْدِ بْنِ أَرْقَمَ: كَمْ غَزَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ غَزْوَةٍ؟ قَالَ: تِسْعَ عَشْرَةَ غَزْوَةً»، قَالَ: «قُلْتُ لَزَيْدِ بْنِ أَرْقَمَ: كَمْ غَزَوْتَ أَنْتَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟ قَالَ: سَبْعَ عَشْرَةَ غَزْوَةً» «کنار زید بن ارقم نشسته بودم، از ایشان در مورد تعداد غزوات رسول خدا ﷺ، سوال شد؟ وی در پاسخ فرمود: ایشان؛ یعنی پیامبر خدا، در نوزده غزوه حضور فیزیکی داشتند، سپس گفته شد: شما (ای زید بن ارقم) در چند غزوه با آن حضرت همراهی کردید؟ فرمود: در هفده غزوه. (بخاری، ۱۴۳۳، حدیث ۳۷۳۳).

### ج: به وسیله نامه‌ها و رسایل

پادشاهانی که برای آن‌ها نامه نوشته شد، عبارت بودند از: «هرقل» امپراتور «روم»؛ «خسرو پرویز»؛ امپراتور «فارس»؛ «نجاشی»، پادشاه «حبشه»؛ و «مقوقس» پادشاه «مصر». نامه‌ی «هرقل»، قیصر «روم»، توسط «دحیه کلبی» فرستاده شد. «دحیه» نامه را به فرمانروای «بصری» داد و او آن را به «هرقل» تقدیم کرد.

در اینجا جهت اختصار موضوع، تنها به ذکر دو مورد از ارسال نامه‌های پیامبر اکرم ﷺ بسنده خواهد شد

### متن نامه رسول‌الله به هرقل

به الله که بخشاینده و مهربان است، نامه‌ای است از «محمد» که بنده الله و رسول اوست به «هرقل» بزرگ «روم»، سلام باد بر کسی که از هدایت پیروی کند، اما بعد؛ من شمارا به دین اسلام دعوت می‌کنم، اسلام بیاور تا در امان باشی؛ خداوند به شما دو پادشاه می‌دهد و اگر از پذیرش اسلام روی گردانی، پس آگاه باش که گناه «اریسین» بر گردن شما است، ای اهل کتاب

بیاید، به‌سوی کلمه‌ای که میان ما و شما مشترک است و آن اینکه فقط الله یگانه را بپرستیم، وکسی را شریک او قرار ندهیم، هرگاه آنان از دین حق سر برتافتند، بگو: گواه باشید که ما مسلمانییم (ندوی، ۱۳۷۹ش، صص ۲۷۶-۲۷۷).

### متن نامه رسول الله ﷺ به خسرو و پرویز

«به نام الله بخشاینده و مهربان، از «محمد» فرستاده الله، به «کسری»، بزرگ ایران، سلام باد بر کسی که از هدایت پیروی کند و به الله و رسولش ایمان آورد و گواهی دهد که هیچ معبود به‌حق غیر از الله نیست و من فرستاده الله به‌سوی کلیه مردم هستم، خداوند مرا فرستاده است که همه مردم را از عذاب خدا بترسانم، اسلام بیاور تا در امان باشی، اگر از ایمان و اسلام سر برتافتی، گناه ملت مجوس بر گردن تو خواهد بود». (طبری، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۹۰)

از تمامی نصوص مزبور، چنین معلوم می‌شود که رسول اکرم نه‌تنها اینکه در دعوت به‌سوی اسلام، از نامه‌ها و رسایل کار گرفته؛ بلکه از همه اسبابی که سبب پذیرش این وسایل گردد نیز استفاده نموده است؛ به گونه که جهت رساندن این نامه‌ها، انسان‌های مستعد و توانایی را انتخاب می‌فرمود. جالب‌تر از همه، وقتی متوجه شد که داشتن «مهر»، تأثیرات و پذیرش آن رسایل را نزد کفار بیشتر می‌کند، آن‌ها را با «مهر» نقره‌ی نبوت علامت‌گذاری می‌فرمود.

### د: به‌وسیله ورود هیئت‌ها و وفود

سال نهم هجری، سال ورود هیئت‌ها بود، عرب‌ها قبلاً منتظر این بودند که قریش چه روشی را اتخاذ خواهند کرد؟ چون آن‌ها پیشوای مردم و ساکنان (حرم بیت‌الله) بودند. وقتی آن‌ها به اسلام گرویدند و «مکه» فتح شد و «ثقیف» اسلام آوردند، عرب‌ها متوجه شدند که یارای مقابله و مخالفت ندارند؛ اینجا بود که دسته‌های مختلف از هر سو به مدینه رو آوردند و گروه‌گروه در دین خدا داخل شدند.

هیئت «بنی تمیم»؛ که در آن بزرگان معروف «بنی تمیم» شرکت داشتند. بین خطیب و شاعر آن‌ها و خطیب و شاعر مسلمانان مسابقه برگزار شد که خطیب و شاعر اسلام برنده شد، بزرگان «بنی تمیم» به باخت خود اعتراف نموده و مشرف به اسلام شدند.

وفد «بنی عامر»؛ نیز به خدمت رسید. «ضمام بن ثعلبه» از جانب «بنی سعد بن بکر» حاضر خدمت شد. وقتی به‌سوی قومش برگشت، آن‌ها را دعوت به اسلام داد، اولین سخنی که با آن

خطاب به قوم را آغاز کرد این بود: «بئس اللات و العزی»: (چقدر بد هستند لات و عزی)؛ قومش گفتند: مکن ای «ضمام» بترس از بیماری برص، بترس از بیماری جذام و بترس از دیوانگی!

«ضمام» گفت: وای بر شما! (لات و عزی) دو بت هستند، قسم به خدا! اختیار هیچ ضرر و منفعتی را ندارند (ندوی، ۱۳۷۹، صص ۳۷۸-۳۷۹). او کسی بود که پادشاهان روم او را بسیار گرامیداشت نموده و کمک‌های مالی به او تقدیم کرده بودند و برایش کلیسایی ساختند. در خصوص این گروه آیات زیادی از قرآن مجید نازل گردید (ابن القیم، ۱۴۱۷، ج ۲، صص ۳۵-۳۶). تمام این دسته‌ها و هیئت‌های وارد شونده در «مدینه»، تعالیم اسلام و مسائل دین را می‌آموختند و اخلاق رسول الله ﷺ و معاشرت صحابه کرام (رضی‌الله‌عنهم) را مشاهده می‌نمودند؛ برای آن‌ها در فضای مسجد خیمه نصب‌شده بود، آن‌ها به قرآن گوش می‌دادند و مسلمانان را در حالت نماز می‌دیدند و از فضای دینی تحت تأثیر قرار گرفته و مشکلات خود را باکمال سهولت و صراحت نزد رسول الله ﷺ مطرح می‌کردند، آن حضرت باکمال بلاغت و حکمت به آن‌ها پاسخ می‌دادند، آن‌ها ایمان آورده و مطمئن می‌گشتند.

### تدریج در دعوت به اعتبار روش

**الف. روش تقدیم:** رسول گرامی دعوت خود را با حکمت و نرمی آغاز فرموده و جهت صدق و راستی رسالتش، دلایلی را از قرآن و روش انبیای گذشته (علیهم‌السلام)، ارایه می‌کردند. الله متعال به «موسی» و «هارون»؛ وقتی که آن دو بزرگوار «علیهما‌السلام» را به‌سوی فرعون، سرکش روی زمین می‌فرستد، چنین می‌فرماید: ﴿فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى﴾ (طه، ۴۴)، «و با او سخنی نرم بگوئید، شاید که پند پذیرد یا بترسد».

هدف از اختیار کردن این روش آن است؛ تا مخاطبین «مدعویین» آن را زودتر اجابت نمایند. چنانچه خداوند متعال فرمودند: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَدِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ (النحل، ۱۲۵)، «با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما و با آن‌ها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن...».

رسول اکرم ﷺ در دعوتش این سه نکته (حکمت، موعظه حسنه و رعایت اصول مناظره) را طبق مقتضای حال، در نظر گرفتند.

ب. **روش حمایتی:** بعد از سپری شدن دوره مکی و با استقرار رسول گرامی ﷺ در «دارالهجرة»، دعوت اسلامی، روح دیگری با خود گرفت و تغییر روش داد؛ زیرا در این هنگام، دعوت و دعوتگران نیاز به حمایت نظامی پیدا کردند. خداوند متعال همواره، به خاطر دفع غلبه‌ی اهل شرک و طغیان، جهاد را بر انبیاء «علیهم السلام» و پیروان شان فرض گرداند. مقصد از فرضیت جهاد و پیکار، همانا اعلاى کلمه الله و برپا نمودن احکامات الله ﷻ به روش انبیا «علیهم السلام» در روی زمین می‌باشد. چنانچه الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَیْمَتْ صَوَامِعُ وَبِيعَ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْکَرُ فِیْهَا اسْمُ اللَّهِ کَثِیْرًا﴾ و اگر خداوند بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه‌ها و معابد یهود و نصارا و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می‌شود، ویران می‌گردد.»

آن حضرت ﷺ بعد از ورود به مدینه منوره، در اجرای روش حمایتی دعوت بسیار حریص بودند؛ حتی به بعضی از اصحابش دستور داد تا کسانی را که نقض پیمان کردند و یا وجودشان، باعث ضرر بزرگ به دعوت اسلامی می‌بود را، از بین ببرند؛ همان‌گونه که «کعب بن اشرف» توسط یکی از سربازان اسلام، طبق فرمان رسول خدا ﷺ، به هلاکت رسانده شد.

### ج. روش الزامی (استفاده از قوه قهری)

پس از فروپاشی و شکست احزاب، حرکت دعوت اسلامی، روش جدید؛ یعنی اسلوب الزامی را به خود اختیار کرد. در این برهه از زمان، رسول گرامی اسلام ﷺ، تبعیت و پیروی از کیان دعوت اسلامی را برای تمامی دشمنان دین مبین اسلام، الزامی کرد؛ همان‌گونه که می‌فرماید: «الآن نغزوهم و لا یغزوننا، نحن نسیر الیهم» (المطلق، ۱۴۱۴ ه.ق، ص ۶۷)؛ چنانچه که یهود را از مدینه منوره بیرون رانده و سپس در خیبر علیه آنان جهاد کرد؛ طوری که قدرت و شوکت شان را کاملاً از بین برد.

### اجرای طرح الزامی بر یهود

نویسنده و دانشمند یهودی «اسرائیل ولفنسون» عوامل و اسباب مخالفت یهود را منصفانه و دقیق بررسی نموده و می‌گوید: «اگر تعالیم پیامبر اسلام فقط در حد مبارزه با بت‌پرستی می‌بود و یهود را به قبول رسالت خود مکلف نمی‌کرد، قطعاً نزاعی یهود و مسلمانان در نمی‌گرفت. در آن

صورت یهود به تعالیم پیامبر اسلام با دیده احترام و تقدیر می‌نگریستند و آن را مورد تأیید قرار داده با مال و جان مساعدت می‌نمودند (ندوی، ۱۳۷۹، ص ۱۹۴).

- **بیعة الرضوان و طرح الزامی بر مشرکین:** رسول اکرم ﷺ در «حدیبیه» بود که به ایشان خبر رسید حضرت «عثمان» توسط «قریش» به شهادت رسیده است آن حضرت ﷺ (جهت انتقام خون عثمان)، از اصحاب بیعت گرفت. در این موقع رسول اکرم ﷺ دست خود را روی دست دیگرش گذاشت و فرمود: «هذا عن عثمان» «این دست من از طرف عثمان است». همه اصحاب در زیر درخت «سمره» در «حدیبیه» با آن حضرت چنین بیعت کردند که تا آخر استقامت نمایند و نگریزند. (همان، ص ۷۵).

د. **روش تألیف قلوب:** یکی از روش‌های حکیمانه در دعوت اسلامی، آن است که دعوتگر مسلمان روشی را اختیار نماید تا به وسیله آن، با مردم رابطه خوب برقرار نموده و در قلوب آنان اثر بگذارد؛ زیرا الله ﷻ هر نفس انسانی را طوری آفریده است که دوست دارد دیگران برایش خوبی و احسان نمایند. وظیفه‌ی هر دعوتگر است که بکوشد؛ کلیدهای داخل شدن در دل‌های انسان‌ها را به دست آورده تا در نتیجه، زمینه‌ی اجابت و به کرسی نشاندن دعوتش را فراهم سازد. رسول گرامی اسلام ﷺ با هر شخص مطابق فطرتش معامله می‌فرمود؛ با انسان‌های دنیادوست (جهت تألیف قلوب‌شان)، مال هدیه می‌کرد و همچنان با افراد تازه‌مسلمان، طوری برخورد داشت که ایمان در دل‌هایشان رسوخ پیدا کند؛ همان‌گونه که در غزوه حنین، قسمتی از غنایمی به‌دست‌آمده از اموال «هوازن» را برای جمعی از سران «مؤلفه القلوب» قریش اختصاص داد. چنانچه رسول خدا ﷺ در غزوه حنین مقداری از مال غنیمت را (قبل از اسلام آوردن صفوان رضی‌الله‌عنه) برایش، اکرام و یا بذل و بخشش کرد؛ پس از آن، حضرت صفوان رضی‌الله‌عنه اثر و نتیجه این کار را، چنین تعریف می‌کند: «وَاللَّهِ لَقَدْ أَعْطَانِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا أَعْطَانِي وَإِنَّهُ لَأَبْغَضُ النَّاسِ إِلَيَّ، فَمَا بَرَحَ يُعْطِينِي حَتَّى إِنَّهُ لَأَحَبُّ النَّاسِ إِلَيَّ». (قشیری، ۱۳۳۴هـ.ق، حدیث ۲۳۱۳) «قسم بر خدا، پیش از اینکه رسول خدا ﷺ برایم چیزی هدیه نکرده بود، در دلم از جمله‌ی مبعوض‌ترین انسان‌ها به شمار می‌رفت؛ اما از زمانی که برایم هدیه عنایت کردند تا امروز، محبوب‌ترین انسان‌ها در قلبم، ایشان تلقی می‌شوند».

### تدریج در دعوت به اعتبار مدعو

الف. آغاز دعوت از خویشاوندان نزدیک: وقتی که قرآن عظیم الشان را دقیق بررسی و مطالعه می‌کنیم، می‌بینیم که الله متعال در بسیاری از آیات آن، مسلمانان را به مسئولیت شناسی در قبال خانواده و اهل‌شان دستور داده و تشویق می‌نماید. چنانچه خداوند ﷻ می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ﴾ (التحریم، ۶)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست نگاه‌دارید....».

علامه ابن کثیر، از امام ضحاک و امام مقاتل روایت می‌کند: «بر هر مسلمان لازم است که احکام و ضروریات دین را بر خویشاوندان، کنیزان و غلامان خود تعلیم دهد» (ابن کثیر، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۱۹۱).

لذا: اولین رسالت یک دعوتگر این است که وظیفه‌ی دعوت الی الله را، از خانه خود آغاز کند و این در حقیقت، شیوه و روش رسول اکرم ﷺ می‌باشد. چنانچه رسول گرامی اسلام، بعد از برگشت از «غار حراء» و پس از نزول اولین آیات قرآنی، موضوع رسالت و دعوتش را نخست از همه، برای همسر گرامی‌اش، ام المومنین «خدیجه الکبری» رضی الله عنها مطرح کرد و سپس جریان دعوت را بر دوستش، «ابوبکر صدیق» رضی الله عنه تقدیم کرد و حضرت ابوبکر صدیق، بدون کدام وقفه به آن حضرت ایمان آورده و رسالتش را تصدیق کرد. همچنان، پسرعمویش حضرت «علی» و غلامش «زید بن حارثه» را به اسلام دعوت فرمود و آن دو بزرگوار با جان و دل اسلام را پذیرفتند (المطلق، ۱۴۱۴، ص ۱۰۲).

ب. شناخت کامل مدعوین: خداوند متعال بنی نوع انسان را از یک پدر و مادر (آدم و حوا) آفریده است. سپس جهت تعارف و شناخت یکدیگر، آنان را به قبایل و ملت‌های مختلف تقسیم کرد. چنانچه خداوند ﷻ می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾ (الحجرات، ۱۳)، «ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ (این‌ها ملاک

امتیاز نیست)، گرامی ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست..»؛ امام قرطبی رحمه الله تعالی، در تفسیر آیهی مبارکه فوق چنین می فرماید: { الله متعال انسانها را متشکل از مذکر و مؤنث، نسبها، قبیلهها و شعوب آفریده و به آنها حس شناخت و تعارف را نیز عنایت کرده است؛ تا از این طریق باهم دیگر نزدیک شوند؛ زیرا که به وسیله تعارف، تواصل به دست می آید } (قرطبی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۲۱۷).

رسول مکرم اسلام ﷺ پیش از اینکه به دعوت (مدعوی) می پرداخت، به تعارف و شناختن شان آغاز می کرد. چنانچه در سفر طایف وقتی که آن حضرت ﷺ از شدت آزار و اذیت اهل ثقیف ناراحت می شود زیر سایه درخت خرما می ایستد که از «عتبه» و «شبهه»، فرزندان «ربیع» بود، پناه می برد. در این هنگام، با شخصی به نام «عداس» (غلام عتبه و شبهه)، ملاقات و گفتگو می نماید که در نتیجه «عداس» ایمان می آورد؛ نخست از همه، رسول الله ﷺ در مورد دین، آیین و وطن این شخص سوال می کند؟ (می خواهد اول با او تعارف حاصل کرده و سپس وی را به اسلام دعوت دهد): «فقال له رسول الله صلى الله عليه وسلم: و من ای اهل البلاد انت یا عداس؟ و ما دینک؟ قال: نصرانی و انا رجل من اهل نینوا»، «رسول خدا ﷺ از غلام پرسید: از کدام سرزمین و مربوط کدام دین هستی ای عداس؟ در پاسخ گفت: از اهل نینوا و نصرانی هستم» (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۴۹).

درواقع این روش زیبا و حکیمانهی آن حضرت ﷺ سبب شد تا انقلاب درونی به «عداس» ایجاد شود و در حقیقت، همان تعارف ابتدای بود که باعث سرعت هدایت وی، به دین اسلام شد. تمامی این موارد، بیانگر این هستند که آن حضرت ﷺ پیش از ارایه و تقدیم دعوت، نسبت به تعارف و شناخت «مدعوی» حرص و علاقه زیادی داشتند و از آن جای که رسول گرامی اسلام ﷺ یک دعوتگر حکیم بود، حکمت و فایدهی این کار را به خوبی می دانست؛ زیرا همه ی «مدعوی» یکسان نبوده، بلکه از لحاظ ملکه های عقلی، استعداد های فطری، سطح اخلاق و رفتارها و جایگاه های اجتماعی، کاملاً متفاوت می باشند.

لذا بر ماست که همه روش های حکیمانه را مطابق سنت پیامبر اکرم ﷺ در دعوت الی الله، مراعات نموده و همراه هر شخص به شیوهی خوب و حکیمانه ملاقات و گفتگو نماییم.

## فواید و حکمت‌های شناخت با مدعوین

- تعارف و شناخت مدعوین، برای داعی الی الله کمک می‌کند تا با هر شخص مطابق منزلت و جایگاهش رفتار کند.
- تعارف حاصل کردن با مدعوین، سبب اطمینان قلبی آن‌ها نسبت به دعوت‌گر شده و باعث از بین رفتن نفرت و انزجاری می‌شود که در قلوب مدعوین وجود داشت.
- شناخت و ارتباط با مدعوین، درواقع، زمینه مناسب و فرصت خوبی است برای پیدا کردن ویژگی‌ها و طبیعت‌های آن‌ها و همچنان روزنه‌ی مفیدی است تا داعی الی الله، راه‌های مؤثرتری را جهت قناعت دادن آن‌ها جستجو نماید. (المطلق، ۱۴۱۴ه.ق، ص ۵۴).

**ج: توجه به صاحبان منزلت و مقام:** انسان‌های دارای (مقام و منزلت)، عبارت‌اند از: بزرگان، اکابر، سرداران و اشراف که قرآن کریم در مواضع متعددی از آن به نام «ملاً» یاد می‌کند. الله متعال، انبیاء (علیهم‌السلام) را دستور داده است که در میدان دعوت الی الله با چنین گروهی، به گونه‌ای نرمی، مهربانی و تدریج در بیان حق، وظیفه‌ی خود را به پیش ببرد. چنانچه خداوند ﷻ می‌فرماید: ﴿اِذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ ﴿٤٣﴾ فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ ﴿٤٤﴾﴾ (طه، ۴۳-۴۴). به‌سوی فرعون بروید؛ که طغیان کرده است! اما به نرمی با او سخن بگویید؛ شاید متذکر شود، یا از خدا بترسد.

در آیه مذکور، الله متعال برای حضرت موسی و هارون علیهما‌السلام دستور می‌دهد که نزد فرعون (که یکی از صاحبان جاه و قدرت بود) رفته و او را با سخن نرم و ملایم به‌سوی حق تعالی دعوت دهید. ارائه‌ی سخن به نرمی، سبب می‌شود تا دعوت اسلامی در دل طرف رسوخ کرده و مورد اجابت وی قرار گیرد، و استفاده از روش خشونت و سختگیری در دعوت، از بزرگ‌ترین اسبابی نفرت و انزجار می‌باشد؛ به‌ویژه زمانی که «مدعو» از آدم‌های ذی‌وجهه و صاحب‌مقام و منزلت باشد.

**د: تقدیم دعوت به عموم مردم:** پیامبر اکرم ﷺ، در ارایه و تقدیم وظیفه‌ی دعوت الی الله از هیچ نوع سعی و تلاشی دریغ نورزید و با هرکسی که روبرو می‌شد او را به‌سوی اسلام دعوت می‌فرمود. چنانچه خداوند متعال می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ ۚ وَإِنْ لَمْ

تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» (المائدة، ۶۷)، «ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده استکاملاً (به مردم) برسان! و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده ای..».

یکی از ویژگی‌های رسالت آن حضرت ﷺ همانا، شمولیت و عمومیت است. چنانچه الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا﴾ (سبأ، ۲۸)، «و ما تو را جز برای همه مردم نفرستادیم تا (آن‌ها را به پاداش‌های الهی) بشارت دهی و (از عذاب او) بترسانی..».

### الف: تقدیم دعوت به کفار و مشرکین

رسول گرامی اسلام ﷺ نه تنها اینکه توجه زیادی به دعوت و هدایت (صاحبان مقام و منزلت) داشتند، بلکه به فکر هدایت کل انسانیت بودند؛ و با هرکسی که روبرو می‌شدند، او را به سوی اسلام دعوت می‌دادند. چنانچه الله متعال می‌فرماید: ﴿الرَّ كِتَبُ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ﴾ (ابراهیم ۱)، "این کتابی است که بر تو نازل کردیم، تا مردم را از تاریکی‌های (شرک، ظلم و جهل)، به سوی روشنایی ایمان، عدل و آگاهی) به فرمان پروردگارشان درآوری، به سوی راه خداوند عزیز و حمید».

رسول گرامی اسلام ﷺ، هر وقتی که با کفار اهل کتاب و مشرکین روبرو می‌شد آنان را به اسلام دعوت می‌کرد؛ همان طوری که قبل از هجرت در مکه مکرمه به خاطر دعوت الی الله، رنج و مشقت‌های زیادی را متحمل شد و همچنان بعد از هجرت در مدینه منوره، یهود آنجا را بار بار به اسلام دعوت داده و اتمام حجت فرمودند. (المطلق، ۱۴۱۴، ص ۱۱۷).

بنابراین: بر ماست که به عنوان پیروان آن حضرت ﷺ، دعوت ناب اسلامی را برای تمامی بشریت رسانده و به فکر اصلاح و هدایت همه‌ی آنان باشیم؛ تا اینکه در این زمینه مسئولیت خود را کما حقّه اداء نموده و در فردای قیامت در محضر الله متعال پاسخ مثبت داشته باشیم.

### مناقشه

یافته‌های این تحقیق نشان داد که دعوت حضرت محمد ﷺ به صورت تدریجی و مرحله به مرحله و بر اساس شناخت دقیق شرایط اجتماعی، ظرفیت‌های فکری مخاطبان و انتخاب ابزارهای مناسب انجام شده است. این نتایج بیانگر آن است که اصل تدریج نه یک شیوه اتفاقی، بلکه راهبردی آگاهانه و حکیمانه در سیره نبوی بوده که به کاهش مقاومت‌های اجتماعی،

آماده‌سازی تدریجی افکار عمومی و تثبیت ارزش‌های اسلامی انجامیده است. به عبارت دیگر، تدریج در دعوت سبب شد انتقال از وضعیت جاهلی به نظام ارزشی اسلام، به گونه‌ای طبیعی و پایدار صورت گیرد و جامعه توان پذیرش تغییرات عمیق را پیدا کند.

مقایسه نتایج این تحقیق با آثار پیشین نشان می‌دهد که یافته‌ها با گزارش‌های سیره نگارانه و تحلیل‌های تربیتی دانشمندان گذشته همسو است؛ چنان‌که ابن هشام در نقل حوادث دعوت مکی، ابن قیم جوزیه در مباحث تربیتی و دعوتی و شاطبی در چارچوب مقاصد شریعت، هر یک به گونه‌ای به اهمیت تدریج اشاره کرده‌اند. باین حال، تفاوت اساسی آن است که آثار یادشده بیشتر به توصیف یا اشارات کلی بسنده کرده‌اند، درحالی‌که پژوهش حاضر کوشیده است با رویکردی نظام‌مند، ابعاد مختلف تدریج را از منظر وسیله، روش و مدعو تحلیل کند. همچنین در مقایسه با برخی مطالعات معاصر که غالباً جنبه توصیه‌ای و کاربردی دارند، این تحقیق تلاش نموده است بر پایه داده‌های سیره مکی و مدنی، الگویی تحلیلی و قابل تعمیم ارائه دهد.

تحلیل علمی داده‌ها نشان می‌دهد که تدریج در دعوت نبوی دارای الگو و منطق مشخصی بوده است؛ از جمله آغاز دعوت از اصلاح باورها و توحید، سپس تربیت هسته‌ای از مؤمنان و در نهایت گسترش دعوت در سطح جامعه. این روند نشان می‌دهد که پیامبر ﷺ در هر مرحله، میان اهداف بلندمدت و ظرفیت‌های واقعی جامعه توازن برقرار می‌کرد. افزون بر این، نقش ویژگی‌های مدعوین - مانند سطح فهم، جایگاه اجتماعی و آمادگی روانی - در تعیین شیوه دعوت بسیار برجسته بوده و نشان می‌دهد که تدریج در سیره نبوی مبتنی بر «شناخت مخاطب» بوده است، نه صرفاً تأخیر زمانی در اجرای احکام.

### نتیجه‌گیری

این تحقیق باهدف بررسی رویکرد تدریجی در دعوت رسول اکرم ﷺ انجام شد و کوشید تا الگوی نظام‌مند این روش را در سیره نبوی تحلیل نماید. یافته‌ها نشان داد که اصل تدریج، یکی از ارکان اساسی دعوت اسلامی بوده و پیامبر ﷺ در اجرای آن، شرایط زمانی، اجتماعی و ظرفیت‌های فکری مخاطبان را به دقت مدنظر قرار می‌دادند. استفاده از وسایل گوناگون - همچون گفتار، نامه‌ها، پذیرش وفود، غزوات و سریه‌ها - و تنوع روش‌ها مانند تقدیم، حمایت، الزام و تألیف قلوب، نشان‌دهنده انعطاف، حکمت و برنامه‌ریزی دقیق پیامبر ﷺ در دعوت است.

توجه ویژه به مدعوین، آغاز دعوت از خویشاوندان نزدیک، شناخت دقیق مخاطبان و اهتمام به صاحبان نفوذ اجتماعی، همگی گواه بر اتخاذ شیوه‌ای تدریجی و هدفمند در هدایت جامعه به سوی شریعت است.

بر اساس تحلیل داده‌ها، الگوی تدریجی دعوت نبوی الگویی موفق، انسانی و پایدار است که نه تنها در زمینه جذب تدریجی مخاطبان مؤثر بوده، بلکه از مقاومت، افراط یا تفریط در فرآیند دعوت جلوگیری کرده است. این الگو می‌تواند برای دعوتگران، مبلغان و پژوهشگران معاصر راهنمایی عملی و علمی فراهم آورد تا با بهره‌گیری از اصول مشابه، دعوتی مؤثر، حکیمانه و متناسب با شرایط جوامع مختلف ارائه دهند.

## منابع و مآخذ

### القرآن الكريم

القرطبي، محمد بن أحمد الأنصاري. (١٤٠٨هـ. ق). *الجامع لأحكام القرآن* (الطبعة الثانية). القاهرة: دار الكتب المصرية.

ابن كثير، إسماعيل بن عمر بن كثير الدمشقي. (١٩٩٩). *تفسير القرآن العظيم* (الطبعة الثانية). الرياض: دارالطبعة.

ابن هشام، عبد الملك بن هشام بن أيوب الحميري المعافري. (١٩٥٥). *السيرة النبوية* (الطبعة الثانية). القاهرة: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي.

البخاري، محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة الجعفي، أبو عبد الله. (٢٠١٢). *الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه*. القاهرة: دار التأصيل.

ابن حجر العسقلاني، أحمد بن علي بن حجر. (١٣٩٠هـ. ق). *فتح الباري*. مصر: مكتبة السلفية.

الطبري، محمد بن جرير، أبو جعفر. (١٩٦٧). *تاريخ الرسل والملوك* (تاريخ الطبري) (الطبعة الثانية). مصر: دار المعارف.

ابن سعد، محمد بن سعد بن منيع الزهري. (٢٠٠١). *الطبقات الكبرى*. القاهرة: مكتبة الخانجي.

ابن قيم الجوزية، محمد بن أبي بكر الزرعي الدمشقي. (١٩٩٦). *زاد المعاد في هدي خير العباد*. بيروت: مؤسسة الرسالة.

الزحيلي، محمد مصطفى. (٢٠٠٠). *التدرج في التشريع والتطبيق في الشريعة الإسلامية*. الكويت: جامعة الكويت.

الجزار، عمر لطفي. (٢٠١١). *فقه التمكن وأثره في تطبيق الأحكام الشرعية*. غزة: الجامعة الإسلامية.

المطلق، إبراهيم بن عبد الله. (١٤١٤هـ. ق). *التدرج في دعوة النبي صلى الله عليه وسلم* [رسالة ماجستير]. الرياض: كلية الدعوة والإعلام.

البيانوني، محمد أبو الفتح. (٢٠١٤). *المدخل إلى علم الدعوة*. بيروت: مؤسسة الرسالة.

الندوي، أبو الحسن علي الحسني. (١٣٧٩هـ. ش). *نبي رحمت* (الطبعة الثالثة). مشهد: أحمد جام.

جنبکہ الميداني، عبدالرحمن حسن. (بی تا). الشریعة الإسلامية بین التدرج فی التشريع والتدرج فی التطبيق.